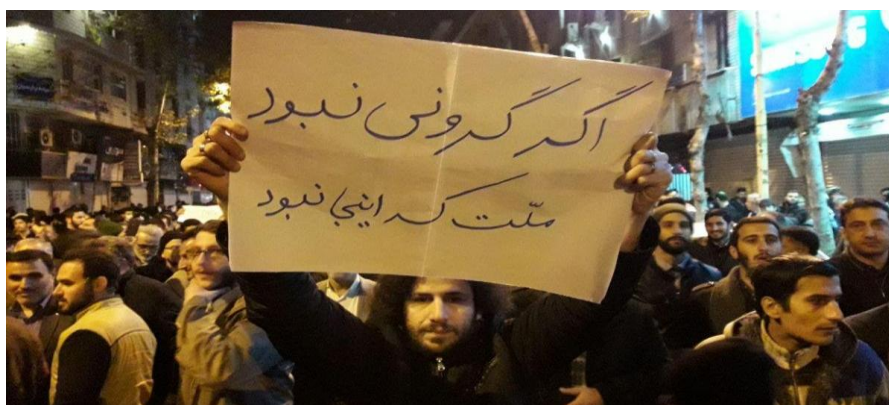


# مبارزه دست‌پابی نان و آزاد از کدام سپروا هم می‌کردد؟

امیر جواهری لنگرودی

در بخش اول یادداشت‌م آوردم: «عموم مردمان ما اعم از یک درصدها، ۱۰ درصدی‌ها، به عبارتی پایینی‌های جامعه، ناگزیرند برای شکستن همهی شاخص‌های فلاکت و مخرب نظام اسلامی، در این شرایط و انفسای اقتصادی، با خیابان آمدن و سنخیت بخشیدن به شعار «تنها کف خیابون، به دست میاد حق‌مون» نخستین قدم‌ها را برای از بین بردن سیستم دلالی کالا و فساد بیش از اندازه، تعدیل اصولی نرخ ارز، مقابله با تحریم اقتصادی و تمامی سیاست‌های نادرست و نسنجیده‌ی حاکمیت که با استفاده از همهی توان نیروهای خویش در از بین بردن فساد ساختاری که مافیاهای مختلف در توزیع کالاها را به‌وجود آوردند، اعتراض کرده و بخواهند با عبور از وضعیت موجود، خود چرخه‌ی هدایت‌گری را به عهده گیرند. این مهم فراهم نمی‌یابد مگر با چرخه‌ی سازماندهی و سازمانیابی و متشکل شدن نیروهای مطالبه‌گر در عرصه‌ی رویارویی‌ها و مبارزه‌ی روزمره‌ی آنان!»

در ادامه یاد آور شدم: «برای استمرار مبارزه، خیابان‌ها باید در اختیار و اشغال مردم مطالبه‌گر باشد. مکان مبارزه و انتشار آگاهی، خیابان است و این را هم نیروهای متشکل و صنفی و هم توده‌های جان‌به‌لب رسیده، آزموده و آموخته‌اند. حاکمیت هم با انواع شگردهای بی‌شرمانه سعی در کنترل حضور و اعتراضات خیابانی مردم دارد. از بازنگری در قوانین استفاده از سلاح گرفته تا بازداشت‌ها گسترده به بهانه‌ی تجمعات غیر قانونی از معترضین در خیابان‌ها. آینده را هم همین وزن‌کشی خیابانی مردم و حکومت سرکوبگر در کف خیابان‌ها مشخص خواهد کرد. وقتی خیابان در اختیار و اشغال مردم مطالبه‌گر باشد، جایی برای حکومت باقی نخواهد ماند. در این نبرد نابرابر: یا ما سرخضم را بکوبیم به سنگ / یا او سر ما به دار سازد آونگ!» (۱)

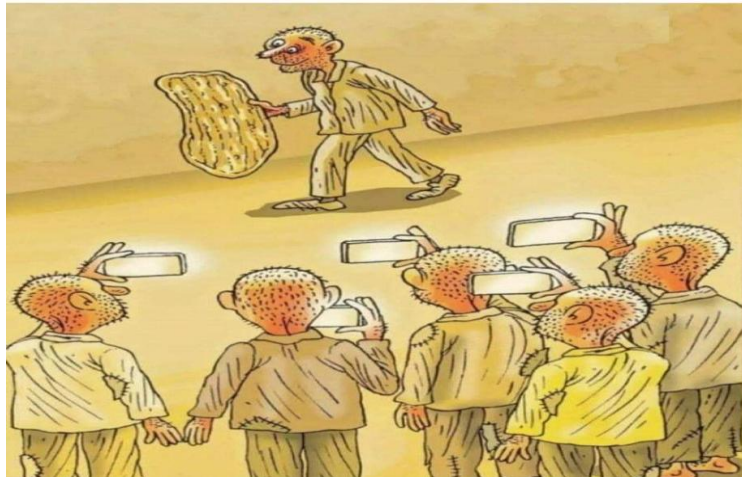


مردم در یک در هم تنیدگی بی‌مانندی در کف خیابان‌های ایران شعار می‌دهند: «اگرگرانی نبود، ملت که اینجا نبود» از اینرو باید پرسید دو عنصر نان و آزادی چه پیوندی با هم داشته و دارند و اساساً می‌توانند مرتبط باشند یا نه؟

برای پاسخ به این پرسش موضوع دیگری پیش پای ما دهان می‌گشاید و آن پرداختن بدین امر است که مسئله مرکزی گذران زندگی بر بستر گرانی‌های سبب معیشت و همچنین گرانی‌های ناشی از حذف یارانه‌ها در درون جامعه‌ی ما چه نزاع سیاسی را نمایندگی می‌کند؟

با توجه به خاستگاه طبقاتی توده‌ی معترضان که امروز در کف خیابانند، یک نکته روشن است که خواستگاه اصلی معترضین وصول نان، آزادی و کرامت انسانی برای سیر کردن شکم‌های گرسنه و خالی به همراه یکدیگر است.

#### در حاشیه گرانی بی سابقه نان در ایران



آنچه مسلم است؛ تا دیروز و طی دو سال گذشته در شرایط دشوار کرونایی و گسترش کووید ۱۹، به‌دست آوردن نان در برابر حفظ جان، خط مقدم مبارزات خیابانی بود. امروز وجه تمایزی بین کرامت انسانی همه‌ی جان‌های رها شده از وضعیت دشوار کرونایی با نان و حقوق مسلم آزادی و برابری نیست، این تنها بورژوازی حاکم است که با سیاست گرسنگی دادن به توده‌ی چند ده میلیونی مردم و حقوق بگیران برابر رشد تورم افسار گسیخته و گرانی سرسام آور کالاهای مصرفی و وارداتی، افزایش فلاکت عمومی و فقر گسترده را بر زندگی مردم تحمیل کرده است. تنها از این زاویه است که ما شاهد رشد سرکوب فزاینده‌ی بورژوازی در به‌کارگیری همه‌ی ابزارهای سرکوب علیه خشم فروخته‌ی مردم یا علیه فرودستان و گرسنگانیم!

در این مبارزه‌ی نابرابر، معضل پدیده‌ی نان و آزادی را باید در هم تنیدگی فزاینده‌ی آن دید و به مانند گرایش‌های راست درون و برون کشور، جامعیت و درهم تنیدگی نان و آزادی را به فرایند دو سوی مبارزه تقلیل نداد و سوا نکرد. این مبارزه به‌شکل توأمان و همگام رودرویی‌هاست؛ به‌مثابه‌ی تارنمای آشکار همه‌ی معترضان گرسنه که سر تا کمر در درون سطل‌های آشغال حاشیه‌ی خیابان‌ها فرو می‌برند و آنانی که در طلب وصول خواسته‌های خود در عرصه‌ی نوعیت به پاخاستن و به‌دست آوردن نان، راه بجایی نمی‌برند و گاه در برابر خانواده و سیرکردن شکم آنان خجل می‌مانند، دست به خودکشی می‌زنند!

دوسوی این عدم پاسخ‌گویی و سیری ناپذیری حاکمیت در چپاول جیب مردم و به تقابل کشاندن حرکات اعتراضی مردم را باید در شکاف ناکارآمدی‌های نظامی دید که دفعتاً انواع کاستی‌هایش را با حذف یارانه‌ها، کاستن از بودجه‌های حمایتی دولتی، جبران می‌کند. بیکارهای میلیونی قبل و بعد از کرونا به اینسو که «حاکمیت برای حل مسکن توده‌ی محتاج بی مسکن، هیچ پاسخی برای رفع مشکل آنان نداشته»، حتی برای حل مشکل اجاره و رشد بی خانمانی و صورت بندی ده‌ها شکل زندگی مردم «با سیاست‌های ویرانگر خود، گسترش کارتن خوابی، گورخوابی، آلونک خوابی، ماشین خوابی، همخانگی‌های اجباری، کوره پزخانه خوابی، زیر پل خوابی، تونل خوابی، زندگی به سبک کانتینری و حتی سکونت در حاشیه‌ی گورستان‌های شهرهای بزرگ و ورود دو پدیده‌ی جدید: پشت بام خوابی (در تهران و مراکز استان‌ها) و ستون خوابی (در بندرعباس) را با سقوط جمعیت به زیر خط فقر شهری و روستایی در بازار مسکن ایران و کوچاندن میلیونی آنان رقم زده است» (۲)

از طرفی حذف امکان آموزش و درمان رایگان در سطح کشور و حذف ده‌ها امکان و بودجه‌ی حمایتی از دسترس زندگی زحمتکش‌ان و تهیدستان جامعه، اثرات سوء خود را به آشکارترین شکل به‌نمایش گذاشته است. لذا برای تغییر این وضعیت فلاکت بار و ناموزون و پایان بخشیدن به بهره‌کشی مناسبات سرمایه‌دارانه در ایران در مقابل شبکه‌ی مافیایی رانت‌خوار که به همه‌ی ارکان زندگی مردم چنگ انداخته و به‌شکل روزمره در تمامی وجوه زندگی در هیکل وزیر، نماینده مجلس، امام جمعه، حوزه علمیه، سپاه و بسیج، حزب الله، جندالله، امر به معروف و ده‌ها شبکه‌ی سرکوبگر

دیگر... نبض سیاسی بودن همه‌ی عناصر زندگی (نان، آب، هوا) و گره خوردن آن‌ها، با نبود آزادی در پهنه‌ی خیزش‌های روزمره‌ی زحمتکشان جامعه را به نمایش گذاشته؛ عدم تفکیک این دو از هم به عنوان وجه در هم تنیده‌ی جنگ طبقاتی موجود، ضرورت وجودی خود را به نمایش می‌گذارد...

به روال آنچه که آمد، در جامعه‌ی امروز ما، در مقابل موجودیت حاکمیت ایدئولوژیک، سیاست زده گی همه ارکان زندگی معمولی و روتین مردم، گرانی نان از آن‌جا به مسائل سیاسی پیوند خورده است که تمام مراحل تولید این قوت غالب مردم را دولت تعیین می‌کند. دولتی که در روندی غیر دموکراتیک در حکومتی استبدادی، نه تنها حافظ منافع مردم نیست، بلکه با ایجاد شبکه‌ی گسترده‌ی فساد و ویژه‌خواری، خود عامل تحمیل فقر و فلاکت مردم است. کشت گندم، نرخ خرید تضمینی آن، واردات و میزان تولید آن، تولید آرد و مقدار و نوع آن و نرخ آرد، نرخ نان و نحوه‌ی پخت و توزیع آن در انحصار دولت - حکومت است و هیچ فرایند دموکراتیک و نظارت مردمی و علمی بر آن وجود ندارد. مطبوعات و رسانه‌ها از بیان نقد و افشای حقایق بازداشته شده‌اند و هر اعتراضی در هر سطح به شدت سرکوب می‌شود. با این وجود همچنان دو دسته وجود دارند: گروهی که با توجه به تنیدگی و پیچیدگی‌های موجود جامعه فعالیت صنفی (غم نان) را مجزا از فعالیت سیاسی نمی‌دانند و دسته دیگر معتقدند که در چارچوب ساختار موجود با توجه به مفاد اساسنامه و آئین‌نامه‌های داخلی هر صنف می‌باید برای رسیدن به اهداف صنفی، صرفاً باید به امور صنفی بپردازند و از ورود به مسائل سیاسی پرهیز نمایند. اما وقتی این دو مانند مثال تولید و توزیع نان، در پیوند با یکدیگر قرار داشته باشند و شرایطی به وجود آمده باشد که مطالبه‌ی نان امری سیاسی شود، چرا که «نان» و «آزادی» پیوندی ناگسستنی دارند، اگر به جای «نان»، واژه‌ی «عدالت» را قرار دهیم؛ در می‌بایم دستیابی به یکی بدون وجود دیگری ممکن نیست و این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. بعنوان مثال اگر اعتراض به گرانی کالاهای اساسی را اعتراضی غیر سیاسی هم بدانیم، برخورد حکومت جمهوری اسلامی با معترضین آن‌را به مسأله سیاسی برای مردم تبدیل کرده است. در همین رابطه در تاریخ ۲۶ خرداد سال گذشته **فیلمی منتشر شد** که در آن کارگران یک نانوائی توضیح می‌دهند آردی که در زاهدان به دست نانوائی‌ها می‌رسد بسیار بی کیفیت و پر از کرم است و سوال می‌کنند آیا «مسئولین» حاضر به مصرف این آرد که پر از کرم و موربانه برای خانواده‌ی خود هستند؟ پس از انتشار فیلم کارگران نانوائی با شکایت کارخانه‌ی آرد بازداشت شدند و رئیس پلیس فتای سیستان و بلوچستان ضمن تأیید خبر بازداشت کارگران، در جهت مشروع کردن اقدام خود و مجرم شناختن دو کارگر نانوائی گفت: «تهمت، تمسخر، ایجاد شایعات و دروغ‌پردازی، تشویش اذهان عمومی، به ویژه در بحث سلامت جامعه و یا تحریک دیگران بر علیه شخص یا اشخاص در فضای مجازی جرم است و پیگرد قانونی دارد و این کارگران در پی شکایت مدیر یک شرکت تولیدی آرد در شهر زاهدان مبنی بر نشر اکاذیب و تبلیغات منفی علیه محصولات تولیدی این کارخانه، در یکی از کانال‌های تلگرامی و تشویش اذهان عمومی بازداشت شدند». (۳)

در نمونه‌ی فوق‌الذکر مشخصاً دستگاه پلیس در خدمت سرمایه‌دار (شرکت آرد اخوان نشاطی) با اتهاماتی از قبیل «تهمت»، «تمسخر»، «ایجاد شایعات و دروغ‌پردازی»، «تشویش اذهان عمومی» اقدام به سرکوب کارگران کرده است که نشان می‌دهد گرانی نان امری سیاسی است و مستقیماً با آزادی گره خورده است.

**پرسشی که پیش کشیده می‌شود اینست که؛ مبارزه موجود در کدام سو می‌تواند به همگرایی گسترده بیانجامد؟**

در هم تنیدگی وصول نان و آزادی و توان بودن آنها، پایه‌ی تعارض‌های جدی و سرنوشت‌ساز در مبارزه‌ی موجود درون جامعه‌ی ما تلقی می‌گردد و راه یابی این دو تنها در مسیر پرتلاطم، با غلبه بر پراکندگی در پیکار توده‌ای موجود خود را تعریف می‌کند.

پاسخ تا حد زیادی روشن است. خواسته‌های مطالباتی بی پاسخ مانده و بی‌واسطه‌ی بین گروه‌های مطالبه‌گر، اعم از بازنشستگان، معلمان شاغل و قراردادی و روزمزد، دانشجویان، بخش‌های وسیع لایه‌های کارگران، لشکر بیکاران امروز - که همان کارگران و کارکنان دیروزند که علیرغم سال‌ها دوندگی به هیچ بخش از خواسته‌های خود دست نیافته‌اند - و مرکزی‌ترین خواست آنان بازگشت برسرکار و همسان‌سازی، مخالفت با نظام پولی و کالایی کردن امر آموزش، افزایش دستمزد و... در هم‌ترازی با هم، باید در وسعت مطالبات کل جامعه تعریف گردد.

اما حاکمیت مذهبی و ضد مردمی، با کمال وقاحت این دو عرصه‌ی مبارزه‌ی دست‌یابی نان و آزادی را وارونه‌نمایی کمونیستی جار می‌زنند تا شمشیر از رو بکشند و هر نوع اعتراض را به نام «شورش» و «براندازی» تعریف کنند و همه‌ی عمله‌های خود را برای سرکوبی هر سطح اعتراض خیابانی - که فرقی هم نمی‌کند چه بازنشسته، چه معلم، چه پرستار، چه کارگر و کارمند - بسیج نماید و همه نوع تعبیر آسمانی - الهی و قرآنی را برای خنثی کردن شریان‌های حیاتی جنبش خیابانی با بازوان سرکوب خود، تعبیر و تعریف کنند!...

جدال بر سر دوگانه‌ی نان و آزادی، امروز همچون دیروز، صحنه‌ی نابرابر مبارزه‌ی خیابانی دو سویه‌ی کار و سرمایه است! در جامعه‌ی ما مانند همه‌جای جهان و همه‌ی ادوار تاریخی مبارزه‌ی طبقاتی، همان گونه که آلبرکامو بیان داشته

است: «آزادی دغدغهی ستمدیدگان و سرکوبشدگان است، و حافظان طبیعی او همواره از میان آنان برخاسته‌اند. در دوره‌ی فنودالیسم در اروپا، کمون‌ها نگهدارنده‌ی جوشش‌های آزادی بودند؛ در ۱۷۸۹ (در انقلاب کبیر فرانسه) ساکنان شهرهای کوچک و بزرگ پیروزی زودگذر آن را تضمین کردند؛ و از سده‌ی نوزدهم تا امروز جنبش‌های کارگری مسوولیت حفظ آبروی آزادی و عدالت را برعهده داشته‌اند، بی‌آنکه هرگز به خواب هم ببینند که بگویند آن دو با یکدیگر آشتی‌ناپذیرند. زحمتکشان، چه کارگران یدی و چه روشنفکران، تا بدان‌جا به آزادی محتوا دادند و به پیشرفت آن در جهان یاری رساندند که امروز آزادی اساس اندیشه‌ی ما شده و برای ما مانند هواست که بی آن نمی‌توانیم به‌سربریم و نفس‌هایمان وابسته به آن است بی‌آنکه متوجه باشیم...» باری «...روشنفکران صاحب نفوذ به کارگر اعلام می‌کردند که تنها نان باید خاطر او را جلب کند نه آزادی – گویی کارگر نمی‌دانست که نانش نیز از بعضی جهات وابسته به آزادی اوست.» آلبر کامو ادامه می‌دهد: «اگر کسی نان شما را ببرد، آزادی شما را نیز گرفته است. اما اگر آزادی شما را بگیرد؛ یقین داشته باشید که نانتان نیز درخطر است. زیرا از آن پس نانتان وابسته به هوس و دلخواه ارباب خواهد بود، نه به تلاش خودتان...» آری «آزادی هدیه‌ای نیست که از دولت یا پیشوا و فرماندهی دریافت شود، بلکه ملک و مالی است که هر روز باید به کوشش یکایک و اتحاد همگان فراهم آید.» (۴)

در این میان یکی شدن و همکلام گشتن و سازماندهی‌های شبکه‌ای را فراهم آوردن، مبارزه را در عرصه‌ی محیط کار و خیابان به پیش بردن، یگانه چاره‌ی ممکن است. تأکید می‌دارم یک نیروی اجتماعی به تنهایی نمی‌تواند تحول اجتماعی را به ثمر رساند، ما باید به تجمیع نیروهای مطالبه‌گر در عرصه‌ی رودرویی‌ها و بالا بردن تحکیم مناسبات برای دستیابی به مطالباتمان بپنداریم. هیچ نیروی کنشگری به تنهایی حتی مطالبات صنفی خود را نیز نمی‌تواند کاملاً به دست بیاورد. هر حرکت اعتراضی خیابانی هر حد هم گسترده و بلوغ یافته باشد، به تنهایی نمی‌تواند خلاء آلترناتیو جنبش اجتماعی را برابر ابراهیم رئیسی، رئیس دولت وقت و قالیباف رئیس مجلس و گلّه‌ی جانوران رژیم اسلامی، این حاکمیت سیاه، نمایندگی کند. شعار را نباید در خلاء داد و خود را خشنود ساخت. تحول اجتماعی را یک نیروی معین به تنهایی نمی‌تواند به ثمر برساند... هر حرکت توده‌ای به نفع یک جبهه‌ی توده‌ای عظیم‌تر، با دفاع از ابتدایی‌ترین نیازمندی‌ها و مطالبات شروع شده و به تدریج که این مبارزه بسط و توسعه یافت، اشکال و شعارهای مبارزه‌ی خود را تغییر می‌دهد. امروز که آن جبهه‌ی توده‌ای قدرتمند را نساختم و هرکدامان به تنهایی در عرصه‌ی مبارزه، خود را پیشقدم و پیشگام می‌دانیم و آدم کشان و آدم فروشان نظام به شکل یک دیوار حائل برابر هر سطح از پیشروی ما از خود با هزار و یک ترفند مانند احضار، بازداشت، زندان، تبعید و اخراج از کار و سناریوی پرونده سازی‌های امنیتی که حربه‌های نخ نمای آن در هر مرحله‌ی دهن باز کرده است، دفاع می‌کنند، صرف صدور تیزترین و برنده ترین شعارها به تنهایی، راهگشا نخواهد بود. شکل‌گیری حاکمیت مردم به وسیله‌ی خود مردم، حیاتی‌ترین پیش شرط‌هایی طبقه‌ی ما است و هر چیزی که برای مردم و بدون مردم باشد، خود در اساس پوششی برای تسلط بر مردم تلقی می‌گردد. در مقابل نظام اسلامی موجود، هیچ نیرویی بسان آلترناتیو نمی‌تواند معنا یابد. نباید از بالای سر مردم، قیم مردم و توده‌ی مطالبه‌گری بود که امروز در ارتش گرسنگان دهان گشوده‌اند و فریاد بر می‌دارند و آواز سر می‌دهند: ما رنجبران ایرانیم، تا محروم و زیر فشاریم، معترض می‌مانیم! همگام شویم و این مبارزه را سازمان‌یافته‌تر با اتکاء به قدرت همین مردم، به پیش ببریم!

یکشنبه ۱۲ تیر ۱۴۰۱ برابر با ۰۳ جولای ۲۰۲۲

## پیوست ها :

\* سایت روز شمار جنبش کارگری ایران <http://karegari.com>

(۱) امیرجوهری لنگرودی، یادداشت کارگری هفته (بخش اول)، دولت شش کلاسه، همین روزا خلاصه، پنجشنبه ۲۳ ژوئن ۲۰۲۲

(۲) امیر جوهری لنگرودی، یادداشت کارگری هفته، باز نمود بحران مسکن در ایران امروز کدام است (بخش دوم)

[http://karegari.com/maghalat/2020/10/21/Yaddashat%20kargari%202+%20Maskan%20Okt%20%202020%20\(Nr%2030\).pdf](http://karegari.com/maghalat/2020/10/21/Yaddashat%20kargari%202+%20Maskan%20Okt%20%202020%20(Nr%2030).pdf)

(۳) گروه خبری تحلیل رسانک، بازداشت دو کارگر نانوايي در بلوچستان

<https://rasanknews.com/2020/06/30/1->

(۴) آلبر کامو، متن سخنرانی روز ۱۰ مه ۱۹۵۳ در بورس کار شهر سنت آنتین، ترجمه عزت الله فولادوند، ویژه نامه نگاه نو ۱۳۸۹

<https://paymanpsychology.com/fa/2021/07/05>